

پیش‌خوان

پیش‌خوان

ماجرای تنها «قائم‌مقام رهبری» در نظام اسلامی

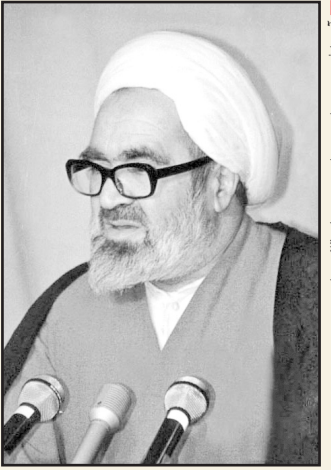
روایت یک عزل!

■ شاهد توحیدی



آغاز و فرجام تنها «قائم‌مقام رهبری» در نظام جمهوری اسلامی، داستانی خواندنی و پر فراز و نشیب دارد. سوگمندها و این ماجرا هنوز به گونه‌ای در خور، برای نسل جوان

حاضر باز گو نشده است. «سیر در بی‌راهه» در عداد معدود آثاری است که سعی کرده تا این ماجرا را، روشمند و تحلیلی به مخاطبان عرضه داد. علی‌جعفری هرستانی و محمداسماعیل پسندیده مؤلفان این اثر، در دیباچه این کتاب چنین آورده‌اند: «ماجرای قائم‌مقامی و عزل آیت‌الله منتظری و حوادثی که در حاشیه آن اتفاق افتاد، یکی از مسائل مهم و عبرت‌آموز در طول حیات جمهوری اسلامی به حساب می‌آید. آیت‌الله منتظری یکی از روحانیون مبارز و انقلابی بود که در دوران پیش از انقلاب اسلامی در جهت مبارزه با رژیم شاه، شکنجه‌ها و سختی‌های فراوانی تحمل نمود. پس از پیروزی انقلاب، آیت‌الله منتظری به عنوان جانشین احتمالی از طرف مجلس خبرگان انتخاب شد و با تبلیغات اطرافیان فرصت‌طلب و همراهی نا آگاهانه برخی دلسوزان انقلاب، به عنوان قائم‌مقام رهبری شناخته شد. پس از آن رفته‌رفته حوادثی رخ داد که در آخر منجر به عزل ایشان از این سمت توسط حضرت امام شد. نفوذ افراد ضدانقلاب در بیت آیت‌الله منتظری و سوءاستفاده از ساده‌لوحی ایشان، علت اصلی این امر بود؛ از این رو حضرت امام از ایشان خواستند تا از سیاست فاصله گرفته، به تدریس و بحث علمی در حوزه بپردازند. اگرچه ایشان در ظاهر و ابتدای امر، نظر امام را پذیرفت اما نفوذ اطرافیان باعث شد پس از مدت کوتاهی، ایشان در مقابل حضرت امام موضع‌گیری کند. جریان انتخاب آیت‌الله منتظری به عنوان گزینه پیشهادی رهبر آینده توسط خبرگان



آیت‌الله حسینیعلی منتظری در دوران قائم‌مقامی رهبری

و حوادثی که در آخر منجر به عزل آقای منتظری از این سمت شد، قسمت مهم و سرنویشت‌ساز ی از تاریخ پس از انقلاب را تشکیل می‌دهد که تبیین آن، برای فهم بهتر حوادث دوران حیات پربرکت امام و شناخت برخی جزئیات انحرافی موجود در جامعه- که پس از رحلت‌امام به تقابل باولایت‌فقیه و نظام اسلامی منجر شدند- امری ضروری است. در این میان روشن شدن مواضع حضرت امام در مقابل این جریان به‌ویژه برای نسل جوان جامعه- که به طور زنده و ملموس خود نوشت و منتشر کرد! را از افکار سیاسی او، در این روزنامه‌های به اسم خشم ملت را، با خط خود نوشت و منتشر کرد! اثر نگه‌است- بسیار راهگشا خواهد بود. در این مجموعه تلاش شده است ضمن اشاره اجمالی به تاریخ حوادث قائم‌مقام رهبری، متن کامل مواضع و بیانات حضرت امام به عنوان سند تاریخی، برای درک و تحلیل بهتر این حوادث در دسترس گردد. از آنجا که هدف مجموعه حاضر تبیین مواضع حضرت امام در مورد آیت‌الله منتظری است، بررسی کامل زندگی و شخصیت و افکار آیت‌الله منتظری در این اثر مورد توجه نبوده‌است. این مجموعه به سبک مختصر با محوریت سخنان و مواضع امام خمینی برای استفاده طالبان حقیقت‌پهیه و به همین جهت، در بیان مسائل تاریخی به کلیات اکتفا شده است. دوستان علاقه‌مند به مطالعه بیشتر می‌توانند به آثار ذیل مراجعه نمایند:

–خطرات سیاسی، نوشته محمدی‌ری شهری
–سجده انصاف، نوشته محمدی‌ری شهری
–زینت‌نامه، نوشته حاج‌سیداحمد خمینی
–بنداشت حقیقت، نوشته عباس سلیمی نمین
–خطرات آیت‌الله منتظری و تقد آن، نوشته اسدالله بادامچیان.

اولین چاپ این اثر در قالب کتابچه و تحت عنوان بولتن تحلیلی، توسط سیح دانشجوی دانشگاه امام صادق (ع) در ۳هزار نسخه، به فاصله یک روز پس از درگذشت آیت‌الله منتظری، برای شفاف‌سازی و روشنگری در ایام فتنه سال ۱۳۸۸ منتشر گردید و اکنون با اصلاحات و تغییراتی، مجدداً منتشر شده است. پیشاپیش از حسن نظر شما در مطالعه این مجموعه تشکر نموده، از وجود کاستی‌ها و ناقصی احتمالی آن پوزش می‌طلبیم.»

■ **احمد رضا صدری**

روزهایی که بر ما گذشت، تداعای هر گلهلمین سالروز شهادت اندیشمند مبارز، دکتر سیدحسین آیت‌پود، به همین مناسبت کارنامه پیراو او در عرصه فکر و عمل را، در آیینسه روایت تنی چند از نزد یکناشن، چستهم‌ایم، مستندات این مقال، بر تارنمای مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران قرار دارد. امید آنکه این خوانش تحلیلی، تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان را، مفید و مقبول آید. ■■■

■ **نیوگی در عرصه اندیشه و عمل سیاسی**

شهیددکتر سیدحسین آیت‌در طول عمر کوتاه خویش، به ویژه از آنگاه که در سطحی گسترده مطرح شد و به چشم ملت آمد، به وسعت معلومات، قدرت شخصیت و توان مقاومت شناخته می‌شد. او با همین امتیازات، توانست در چند جبهه به مبارزه بپردازد! صرف نظر از کارکرد هوشمندانه وی در دوران پیش از پیروزی انقلاب، مواجهه با سیاست‌های لیبرالیستی دولت موقت و سپس ابوالحسن بنی‌صدر و نیز کردار فاشیستی سازمان موسوم به مجاهدین خلق، در زمره برجسته‌ترین رویکردهای او، در دوران برقراری نظام اسلامی است. اما او از چه مقطعی سیاست را شناخت و چگونه در طریق آن، گام به گام پیش رفت؟، بررسی است مهم، که سیدعلی آیت‌برادری وی، این‌گونه بدان پاسخ گفته است: «خانواده ما مذهبی و روحانی، با پس‌زمینه‌های سیاسی بودند. هر دو پدر بزرگ ما، از رجال برجسته دوره خود بودند و روش آنها به‌نوعی، در فرزندان و خانواده تأثیر گذاشته بود. آیت‌در در ۱۲، ۱۳ سالگی، با مرحوم آیت‌الله کاشانی و نهضت ملی شدن نفت آشنا شد و هنوز ۱۵، ۱۴ سال بیشتر نداشت که روزنامه‌ای به اسم خشم ملت را، با خط خود نوشت و منتشر کرد! را از افکار سیاسی او، در این روزنامه کاملاً مشخص است. با اینکه خانواده وضعیت اقتصادی مطلوبی نداشت، او هر پولی که متن کامل مواضع و بیانات حضرت امام به عنوان سند تاریخی، برای درک و تحلیل بهتر این حوادث در دسترس می‌آورد، صرف تهیه روزنامه، مجله و کتاب می‌کرد. او بریده‌های مجلات و روزنامه‌ها را، با دقت مطالعه، جمع‌آوری و بساز حمت فراوان نگهداری می‌کرد. این بریده‌ها مخصوصاً بعد از انقلاب، گنجینه ارزشمندی بودند که به استاد آنها، می‌توانست علیه لیبرال‌ها، ملی‌مذهبی‌ها، فراماسون‌ها و گروه‌های چپ و راست، سخن بگوید و پته خیلی‌ها را روی آب بریزد و دست‌شان را رو کند! به همین دلیل هم دشمنان او، از طیف‌های مختلف بودند و منحصر به گروه و دسته

«

دکتر آیت‌با نکته‌سنجی فراوان، به رویدادهای دوران نهضت ملی ایران نگر بیسته بود و کار کرد دکتر مصدق و اطرافیان را، از عوامل مهم شکست آن حرکت قلمداد می‌کرد. هم از این روی بود که به نقش آفرینی گروه‌های ملقب به ملی، در فرآیند انقلاب و نظام اسلامی، نگاه مثبتی نداشت. به‌دلیل همین پیشینه فکری، وی در دوران نقش آفرینی در حزب جمهوری اسلامی نیز، هرگز با میر حسین موسوی و نگاهی که او آن را نمایندگی می‌کرد، سرسازش نیافت!

عاریخ

کفت وگرم ۸۸۴۹۸۴۲۷



از شهادت دکتر سیدحسین آیت، ۴۰ سال گذشت

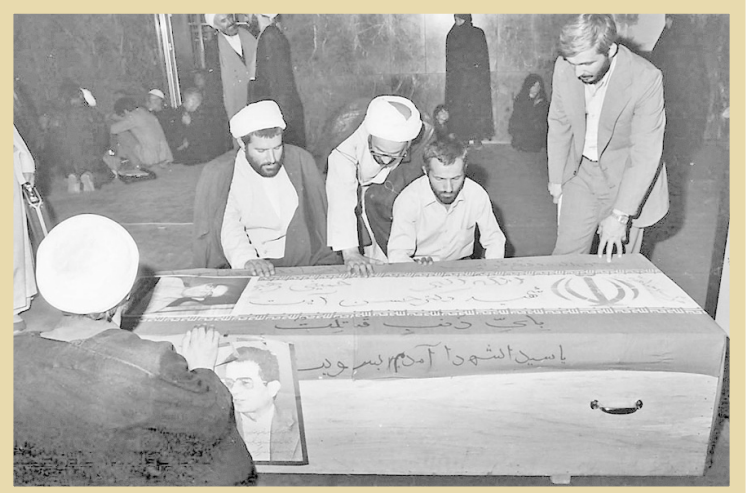
رزمی مقتدرانه

در چندین جبهه سیاسی!

سیاسی است…»

■ **نفوذ در ارتش شاهنشاهی، به نیت بازدارندگی!**

اندیشه مبارز و پیگیر عمل کرد. دیگران ارتش را، همراه با روشنگری در نهادهای علمی و آموزشی، به پیش می‌برد و از تنویر افکار جوانان، غفلت نمی‌ورزید. هادی ایمانی خوششخو در زمره دانشجویانی است که در مجتمع آموزش عالی قم وابسته به دانشگاه تهران، نزد آن بزرگ تحصیل کرده و از بیدار‌گری‌های وی در آن دوره، خاطراتی به شرح ذیل دارد: «من در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۵، دانشجوی بودم و ایشان در مجتمع آموزش عالی قم، وابسته به دانشگاه تهران، درس می‌داد. من در آن دوره، از نحوه تدریس و برخورد ایشان با دانشجویان، بسنیلر لذت می‌بردم. آن روزها جو سنگینی بر دانشگاه‌ها حاکم بود و مخصوصاً جریان تغییر ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق، باعث مطالعه است. بعدها عده‌ای از این ارتش‌ها به سازمان عناصر مسلمان و همسوا را متشکل سازد تا در هنگام ضرورت، سرکوبگری این نهاد را خنثی‌سازد! دکتر منوچهر محمدی از دوستان دکتر آیت، در این زمینه می‌گوید: «ا روزها مبارزه مسلحانه بین همه جوان‌ها، مخصوصاً دانشجویها طرفدار داشت. فضایی بود که در ایجاد آن، چیزی‌ها خیلی دخیل بودند و این فقل از تاریخ جنبش دانشجویی ما، از این جنبه خیلی قابل مطالعه است. بعدها عده‌ای از این ارتش‌ها به سازمان مجاهدین خلق پیوستند ولی آیت خودش حرکت مستقلی را شکل داد، که امثال شهیدان کلاهدوز، نامجو و صیادشیرازی در آن فعالیت می‌کردند. پس از ۱۵ خرداد، اکثر مبارزان به این نتیجه رسیدند، که راهی جز مبارزه مسلحانه با رژیم شاه باقی نمانده است. اولین گروه جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی بودند که شهیدان خسرابی، صفارهرندی، نیک‌نژاد و حاج‌صادق امانی، بنحریان منصور را ترور کردند. پس از آنها سازمان مجاهدین خلق با استفاده از تجربه مارکسیست‌ها، به مبارزه مسلحانه پرداخت، که البته کار آنها با مؤتلفه‌ای‌ها تفاوت‌های بنیادین داشت. آیت به‌جای این کار، سعی کرد در بدنه ارتش نیروهای مسلح نفوذ کند تا در مواقع خطر، ارتش از درون خنثی شود و بدنه ارتش، علیه مردم وارد عمل نشود که در این کار، بسیار موفق بود. البته این کار به دقت، برنامه‌ریزی و هوشمندی زیادی نیاز داشت، که بزرگ‌ترین ویژگی‌ها بر خوردار بود. این شبکه بعدها در دوران تأسیس نظام جمهوری اسلامی هم، بسیار مفید واقع شد و کارایی بالایی از خود نشان داد. علاوه بر این مرحوم آیت در مجلس خبرگان قانون اساسی، پرگهر تابناک بود، که ما از او مجروح شده‌ایم. با اصراری که روی واگذاری فرماندهی کلی نیروهای مسلح به ولی‌فقیه کرد، او انصافاً خیلی تیزهوشی به خرج داد، چون هیچ‌کس متوجه این نکته حیاتی نبود. ملی‌گراها خیلی تلاش کردند تا فرماندهی کل قوا، به رئیس‌جمهور داده شود تا از این طریق، منویات خود را محقق کنند ولی آیت حواسش جمع بود و همه را متوجه این نکته ظریف کرد. در مورد تجاندن اصل



۱۵ مرداد ۱۳۶۰. پیگردکتر شهیددکتر سیدحسین آیت قبل از تشییع و در محوطه‌ای ملقب کتور شورای اسلامی

د

شهیددکتر سیدحسین آیت در طول عمر کوتاه خویش، به وسعت معلومات، قدرت شخصیت و توان مقاومت شناخته می‌شد. او با همین امتیازات، توانست در چند جبهه به مبارزه بپردازد. صرف نظر از کارکرد هوشمندانه وی در دوران پیش از پیروزی انقلاب، مواجهه موقت و سپس ابوالحسن بنی‌صدر و نیز کردار فاشیستی سازمان موسوم به مجاهدین خلق، در زمره برجسته‌ترین رویکردهای او، در دوران برقراری نظام اسلامی است

ولایت فقیه و تشکیل سپاه پاسداران در قانون اساسی هم، بسیار مؤثر و پیگیر عمل کرد. دیگران در مورد سپاه، معتقد بودند گروهی تشکیل شده و در خارج بوده، وقتی سازمان مجاهدین تغییر ایدئولوژی داد، در این باره مطلب نوشتم و سخنرانی کردم. بعد از انقلاب هم همراه با دکتر آیت، علیه سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی بود- آنها را چاپ نمی‌کرد و می‌گفت در شرایط فعلی درست نیست با آنها درگیر شویم! در حالی که به نظر من و شهید آیت، ما اساساً در گوشه و کنار مملکت، با آنها درگیر بودیم. بخشی از این اختلافات، به داخل شورای

مرکزی حزب هم کشیده شد. من معتقد بودم اندیشه‌های کسانی که در شورای مرکزی حزب

هستند، به هم نزدیک نیست. از همان ابتدا، بنده، دکتر جاسبی، آقای تاطق نوری و آقای بادامچیان یک گروه بودیم و مهندس موسوی و بقیه، گروه دیگر بودند. مهندس موسوی مقاله‌هایی را که علیه منافقین، یا دکتر مصدق، یا به طرفداری از آیت‌الله کاشانی نوشته می‌شد، چاپ نمی‌کرد! این اختلافات از همان ابتدا وجود داشت و باعث شد نهایتاً حزب توانانه به فعالیتش ادامه بدهد. شهید آیت از مخالفان سرسخت مصدقی‌ها و ملی‌گراها و شخصت‌بودم مهندس مصدق از نظر

سیاسی، گرایش‌های چپ دارد، به همین دلیل هم، مواجهه‌هایی بین این دوری داد. البته به تدریج، این اختلاف عقاید به عرصه اقتصاد هم کشیده شد. در آن روزها و شخصت‌بودم یکی از کشورهای بلوک شرق به ایران آمد. او می‌گفت در کشورش سهم بخش خصوصی، ۲۵ درصد است. مهندس موسوی می‌گفت نباید بیشتر از ۲۰ درصد باشد، یعنی این جریان از نگاه اقتصادی، از کمونیست‌ها چپ‌تر بودند! در آن دوره، چهره‌هایی مانند شهید آیت و آقای بادامچیان، صراحتاً دیدگاه‌های مخالف خود را مطرح می‌کردند ولی من اساساً چون خیلی اهل بحث و مجادله نیستم، به همین دلیل با اینکه از مجلس رای بالایی گرفته بودم، از دولت آقای موسوی استعفا دادم! در آن دولت، بالاترین رای را از مجلس، آقای نژادحسینیان با ۱۸۹ رأی به دست آورد، بعد من ۱۷۹ رأی کسب کردم. آقای موسوی با اینکه خیلی‌ها از او حمایت کرده بودند، ۱۲۰ رأی آورد! این وجود، من و آقای نژادحسینیان استعفا دادیم و واقعیت این بود که آقای بادامچیان، آقای جلال‌الدین قاریسی و شهید آیت، در مقابل نقش مشخص و روشنی داشتند اما در مورد مهندس موسوی باید گفت خانم ایشان زهرا رهنورد، در دوران انقلاب شهرت بیشتری داشت. بنده، شهید فتوئی، شهیدعباس پور و دکتر شهبانیه، به در حال در جامعه دانشگاهی شناخته شده بودیم ولی مهندس موسوی نه در جامعه سیاسی و نه در جامعه روشنفکری، فرد شناخته‌شده‌ای نبود. بعد از انقلاب، مسئولیت روزنامه جمهوری اسلامی را به ایشان دادند، که برایش تبدیل به پایگاه تبلیغاتی نامی‌شوم! خوبی می‌شوم ولی خودم تیزهوش خوبی بودم! در این حد و اندازه مطرح شود، شهید آیت از همان روز اول با ملی‌گراها و مهندس موسوی، مخالف بود و دائم اعتراض می‌کرد که او گرایش‌های چپیی دارد و حضورش در شورای مرکزی حزب هم به صلاح نیست، چه رسد به وزیر امور خارجه، یا نخست‌وزیر شدن! ترور دکتر آیت، تروری بود از قبیل ترور آقای هاشمی و امام جمعه‌ها، شهید آیت بسیار فعال و مدافع سرسخت نظام بود و بدیهی است دشمنان نسبت به صراحت و افشاگری‌های او، حساسیت داشتند. مضافاً بر اینکه با ملی‌گراها و مصدقی‌ها هم، به‌شدت مخالف بود. شهید آیت انسانی صدرصد معتقد و مسلط بر مسائل تاریخی بود و به همین دلیل، تحلیل‌های دقیقی داشت. خیلی جاها دیگران دچار ساده‌انگاری می‌شدند ولی ایشان با دقت نظری مثال‌زدنی، پیشاپیش هشدار می‌داد و خطرات را گوشزد می‌کرد. شاید اگر این هشدارها جدی گرفته می‌شد، بسیاری از فجایع رخ نمی‌داد. خیلی‌ها ایشان را فوق‌العاده بدبین و تلخ از زبانی می‌کردند اما حوادث بعدی نشان داد ایشان واقعین نظام بوده است. شاید هم نبود در اوایل انقلاب، همه مسا کمی به افراد و جزیانات، از پشت عینک بدبینی نگاه می‌کردیم، تا امثال کشمیری و کلاهی، در بالاترین رده‌های مملکتی نفوذ کنند!»

۹ جوان

|روزنامه جوان |شماره ۴۲۷۵

اینکه، حرف‌های تازه‌ای داشت و پیش‌بینی‌هایش هم، درست از آب درمی‌آمد. جریان بنی‌صدر بسیار سطحی و خالی از محتوا بود، به همین دلیل خیلی زود از سکه افتاد! حتی رای ۱۱ میلیونی‌اش هم به دلیل سطحی بودن مواضع، خیلی زود بی‌اعتبار شد. او توانسته بود افراد عادی و عامی را جذب کند و صاحبان فکر و اندیشه، واقعاً با او اختلافات جدی داشتند. انصافاً افشاگری‌های شهید آیت در کنار زدن پرده عوام‌فریبی از چهره بنی‌صدر، بسیار نقش داشت.»

■ **آیت معتقد بود موسوی گرایشات چپ‌دار!** شهیددکتر سیدحسن آیت با نکته‌سنجی و دقت فراوان، بسه رویدادهای دوران نهضت ملی ایران نگر بیسته بود و کار کرد دکتر مصدق و اطرافیان را، از عوامل مهم شکست آن حرکت قلمداد می‌کرد. هم از این روی بود که به نقش آفرینی گروه‌های ملقب به ملی، در فرآیند انقلاب و نظام اسلامی، نگاه مثبتی نداشت. به دلیل همین پیشینه فکری، وی در دوران نقش آفرینی در حزب جمهوری اسلامی نیز، هرگز با میر حسین موسوی و نگاهی که او آن را نمایندگی می‌کرد، سرسازش نیافت! دکتر حسن غفوری‌فرد

از همگفکان وی در حزب جمهوری اسلامی، در این باره چنین آورده است: «اختلاف اصلی شهیددکتر آیت با برخی اعضای حزب جمهوری اسلامی از جمله مهندس موسوی، بر سر نگاه به ملی‌گراها و در مرحله بعد، منافقین بود. خود من، در دوره‌ای که در خارج بودم، وقتی سازمان مجاهدین تغییر ایدئولوژی داد، در این باره مطلب نوشتم و سخنرانی کردم. بعد از انقلاب هم همراه با دکتر آیت، علیه سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی بود- آنها را چاپ نمی‌کرد و می‌گفت در شرایط فعلی درست نیست با آنها درگیر شویم! در حالی که به نظر من و شهید آیت، ما اساساً در گوشه و کنار مملکت، با آنها درگیر بودیم. بخشی از این اختلافات، به داخل شورای

مرکزی حزب هم کشیده شد. من معتقد بودم اندیشه‌های کسانی که در شورای مرکزی حزب

هستند، به هم نزدیک نیست. از همان ابتدا، بنده، دکتر جاسبی، آقای تاطق نوری و آقای بادامچیان یک گروه بودیم و مهندس موسوی و بقیه، گروه دیگر بودند. مهندس موسوی مقاله‌هایی را که علیه منافقین، یا دکتر مصدق، یا به طرفداری از آیت‌الله کاشانی نوشته می‌شد، چاپ نمی‌کرد! این اختلافات از همان ابتدا وجود داشت و باعث شد نهایتاً حزب توانانه به فعالیتش ادامه بدهد. شهید آیت از مخالفان سرسخت مصدقی‌ها و ملی‌گراها و شخصت‌بودم مهندس مصدق از نظر

سیاسی، گرایش‌های چپ دارد، به همین دلیل هم، مواجهه‌هایی بین این دوری داد. البته به تدریج، این اختلاف عقاید به عرصه اقتصاد هم کشیده شد. در آن روزها و شخصت‌بودم یکی از کشورهای بلوک شرق به ایران آمد. او می‌گفت در کشورش سهم بخش خصوصی، ۲۵ درصد است. مهندس موسوی می‌گفت نباید بیشتر از ۲۰ درصد باشد، یعنی این جریان از نگاه اقتصادی، از کمونیست‌ها چپ‌تر بودند! در آن دوره، چهره‌هایی مانند شهید آیت و آقای بادامچیان، صراحتاً دیدگاه‌های مخالف خود را مطرح می‌کردند ولی من اساساً چون خیلی اهل بحث و مجادله نیستم، به همین دلیل با اینکه از مجلس رای بالایی گرفته بودم، از دولت آقای موسوی استعفا دادم! در آن دولت، بالاترین رای را از مجلس، آقای نژادحسینیان با ۱۸۹ رأی به دست آورد، بعد من ۱۷۹ رأی کسب کردم. آقای موسوی با اینکه خیلی‌ها از او حمایت کرده بودند، ۱۲۰ رأی آورد! این وجود، من و آقای نژادحسینیان استعفا دادیم و واقعیت این بود که آقای بادامچیان، آقای جلال‌الدین قاریسی و شهید آیت، در مقابل نقش مشخص و روشنی داشتند اما در مورد مهندس موسوی باید گفت خانم ایشان زهرا رهنورد، در دوران انقلاب شهرت بیشتری داشت. بنده، شهید فتوئی، شهیدعباس پور و دکتر شهبانیه، به در حال در جامعه دانشگاهی شناخته شده بودیم ولی مهندس موسوی نه در جامعه سیاسی و نه در جامعه روشنفکری، فرد شناخته‌شده‌ای نبود. بعد از انقلاب، مسئولیت روزنامه جمهوری اسلامی را به ایشان دادند، که برایش تبدیل به پایگاه تبلیغاتی نامی‌شوم! خوبی می‌شوم ولی خودم تیزهوش خوبی بودم! در این حد و اندازه مطرح شود، شهید آیت از همان روز اول با ملی‌گراها و مهندس موسوی، مخالف بود و دائم اعتراض می‌کرد که او گرایش‌های چپیی دارد و حضورش در شورای مرکزی حزب هم به صلاح نیست، چه رسد به وزیر امور خارجه، یا نخست‌وزیر شدن! ترور دکتر آیت، تروری بود از قبیل ترور آقای هاشمی و امام جمعه‌ها، شهید آیت بسیار فعال و مدافع سرسخت نظام بود و بدیهی است دشمنان نسبت به صراحت و افشاگری‌های او، حساسیت داشتند. مضافاً بر اینکه با ملی‌گراها و مصدقی‌ها هم، به‌شدت مخالف بود. شهید آیت انسانی صدرصد معتقد و مسلط بر مسائل تاریخی بود و به همین دلیل، تحلیل‌های دقیقی داشت. خیلی جاها دیگران دچار ساده‌انگاری می‌شدند ولی ایشان با دقت نظری مثال‌زدنی، پیشاپیش هشدار می‌داد و خطرات را گوشزد می‌کرد. شاید اگر این هشدارها جدی گرفته می‌شد، بسیاری از فجایع رخ نمی‌داد. خیلی‌ها ایشان را فوق‌العاده بدبین و تلخ از زبانی می‌کردند اما حوادث بعدی نشان داد ایشان واقعین نظام بوده است. شاید هم نبود در اوایل انقلاب، همه مسا کمی به افراد و جزیانات، از پشت عینک بدبینی نگاه می‌کردیم، تا امثال کشمیری و کلاهی، در بالاترین رده‌های مملکتی نفوذ کنند!»